«سول» روی خط اینترنت

انیمیشن کامپیوتری «سول» هم سر از اکران استریم و اینترنتی درآورد. شرکت والت دیزنی تهیه‌کننده این کمدی درام خانوادگی اعلام کرد آن را تا دو ماه آینده به صورت زنده در شبکه دیزنی پلاس پخش می‌کند. البته شیوه پخش فیلم، شبیه به کاری خواهد بود که مدیران دیزنی در رابطه با «مولان» انجام دادند. در این شیوه کاری، از یک‌سو سول در اینترنت پخش می‌شود و از سوی دیگر، در تعدادی از کشورهای دنیا روی پرده سینماها خواهد رفت./ ددلاین

درام مرموز چستین

رمان «از دست دادن کلمانتین» اشلی ریم به صورت فیلمی سینمایی درمی‌آید. جسیکا چستین و ادگار رامیرز نقش‌های اصلی این درام پررمزوراز خانوادگی را بازی می‌کنند. چستین در داستان فیلم هنرمندی در آستانه ۴۰ سالگی است که می‌خواهد بهترین نقاشی خود را خلق کند. اما رمزوراز زندگی مادر و خواهرش، او را وارد دنیایی پیش‌بینی نشده می‌کند./ موویز

چهره خبرساز

سفر کلونی به دنیای ورزش



جورج کلونی، بازیگر مطرح دنیای سینما همچنان علاقه‌اش به رشته فیلمسازی را حفظ کرده و این روزها خودش را آماده می‌کند تا پشت دوربین یک فیلم جدید قرار گیرد. ساخته جدید این فیلمساز، «کالیکو جو» نام دارد و با نگاهی به رمان پرخواننده جان گریشام تولید می‌شود. کلونی در حالی صحبت از کارگردانی یک فیلم تازه می‌کند که ساخت چند فیلم دیگر را هم در دستور کار خود دارد! داستان کالیکو جو مثل بقیه نوشته‌های گریشام در دنیای دادگاه و مسائل حقوقی و شکایت‌های مربوط به آن سیر می‌کند. جالب این که رمان گریشام نه یک اثر ادبی جدید، که در سال ۲۰۱۲ منتشر شده و روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار گرفته است.

داستان در سال ۱۹۷۳ اتفاق می‌افتد و درباره یک ورزشکار خیالی در حال رشد و ترقی است، اما این ورزشکار که آینده‌ای درخشان پیش رو دارد، بر اثر حادثه‌ای به کما می‌رود. او تا سه دهه در حالت اغما به سر می‌برد و این مساله، خط سیر اصلی داستان را جلو می‌برد. گریشام داستان خود را بر مبنای ماجرایی واقعی نوشت که اختصاص به تراژدی زندگی ری چاپمن داشت. او که از بازیکنان مطرح لیگ‌های قهرمانی ورزش بسکتبال بود، در سال ۱۹۲۰ به دست یک ورزشکار دیگر به قتل رسید. گریشام از تجربیات دوران نوجوانی خود در رشته بسکتبال هم بهره گرفته تا بتواند حال و هوای شخصیت محوری داستانش را بهتر به خواننده کتاب منتقل کند.

کلونی، کالیکو جو را در شرکت فیلمسازی خودش تولید می‌کند. هنوز نویسنده‌ای برای کار نگارش فیلمنامه اقتباسی فیلم انتخاب نشده است و معلوم نیست خود کلونی به عنوان بازیگر هم در آن حضور خواهد داشت یا نه. پیش‌بینی می‌شود کلید فیلمبرداری این درام پرتنش اوایل سال جدید میلادی زده شود./ ددلاین

نجات جهان از نابودی با کمک موسیقی

سومین قسمت «بیل و تد» به نوعی تصویرکننده جهان امروز است

کیکاووس زیاری
سینمای جهان

احتمالا خود سازندگان «بیل و تد در مصاف موسیقی» هم تصورش را نمی‌کردند سومین قسمت فیلم‌شان که بعد از سال‌ها تولید شده بود، در مصاف با بیماری کرونا مقابله‌ای سخت را تحمل کند. سومین قسمت این کمدی اکشن علمی-تخیلی ۲۸ سال بعد از نمایش عمومی دومین قسمت آن تولید شد! نمایش عمومی فیلم با شیوع بیماری مرگبار کرونا همراه شد و مقل بقیه محصولات سینمایی، با مشکلات مربوط به اکران عمومی و جذب تماشاچی به داخل سالن‌های تاریک نمایش روبه‌رو شد. دین پاریسوت، کارگردان فیلم است و دو بازیگر اصلی قسمت‌های قبلی کیانو ریوز و آلکس وینتر برای سومین بار در قالب دو شخصیت ماجراجو و بی‌دست‌وپا به نام‌های بیل و تد بازی کرده‌اند.

فیلمنامه فیلم سال ۲۰۱۰ آماده شد، اما بسیار شبیه وضعیتی است که مردم سراسر دنیا این روزها گرفتار آن هستند. در قسمت جدید این مجموعه فیلم غیرمتعارف، بیل و تد باید یک تصنیف بنویسند که بتواند مردم جهان را در برابر نابودی و تخریب کره زمین متحد کند. آنها مسابقه‌ای بر علیه زمان به راه می‌اندازند و با سفرهای زیاد (در دل تونل زمان) به دهه‌های مختلف زندگی خود، تلاش دارند این تصنیف را آماده و خلق کنند. در این راه، نیروهایی حضور دارند که می‌خواهند مانع از کار بیل و تد شوند. پایان ماجرا با خلق یک موسیقی برای اتحاد مردم دنیا همراه است و آدم‌ها متوجه این نکته مهم می‌شوند که تنها با یاری رساندن به یکدیگر و اتحاد است که می‌توان بر مشکلات بزرگ غلبه کرد و بشریت را از خطر نابودی و اضمحلال نجات داد.

دوستان صمیمی فیلمنامه نویس

شاید عجیب به نظر برسد که دو بازیگر اصلی فیلم و نویسندگان فیلمنامه (کریس ماتیسون و اد سولومون) دوستانی نزدیک و صمیمی هستند و با این حال، وقفه و فاصله بسیار زیادی بین تولید دو قسمت دوم و سوم این مجموعه فیلم افتاد. این در حالی است که در سال ۱۹۹۱ و بعد از پایان کار «سفر من درآوردی و قلابی بیل و تد»، هیچ طرحی برای ساخت دنباله‌ای بر آن در دستور کار سازندگانش نبود. هر یک از این چهار دوست صمیمی بعد از پایان فیلمبرداری قسمت دوم، سراغ فیلم‌ها و پروژه‌های دیگری رفتند.

سال ۲۰۰۵ ریوز در گفت‌وگویی رسانه‌ای، با این پرسش روبه‌رو شد که آیا علاقه‌ای به تکرار نقش تد در فیلم دیگری را دارد یا نه. پاسخ ریوز مثبت بود و گفته می‌شود همین واکنش تهیه‌کنندگان فیلم را به صرافت تولید قسمت دیگری از این کمدی کالت انداخت، اما بحث ساخت فیلم در سال ۲۰۰۸ شکلی جدی به خود گرفت. نکته مهم این بود که فیلمنامه برای دو بازیگر اصلی آن به گونه‌ای نوشته می‌شد که به سن و سال میانسالگی‌شان بخورد. مشکلی که بعد از نگارش فیلمنامه پدید آمد، پیدا کردن یک استودیوی بزرگ فیلمسازی برای سرمایه‌گذاری روی آن بود. نویسندگان فیلمنامه تمام تلاش خود را کردند تا چیزی بنویسند که هزینه تولید آن بالا نباشد. برای تولید فیلم، هزینه‌ای ۲۵ میلیون دلاری صرف شد.

کیانو ریوز درباره فیلم می‌گوید: «ما فیلمنامه‌ای در اختیار داشتیم که واقعا به آن افتخار می‌کردیم. کار سختی روی آن انجام شد و چند بار مورد بازنویسی قرار گرفت. نگارش فیلمنامه مدت زمانی طولانی طول کشید، زیرا همه‌مان می‌خواستیم چیزی درست و بی‌نقص در اختیار داشته باشیم. درست است که فیلم‌ها باید نفع مالی به همراه داشته باشند، اما هدف اصلی کسب درآمد نبود. فیلم را برای پول نساختیم. من و وینتر شخصیت‌هایمان را در فیلم دوست داشتیم و سال‌ها با آنها زندگی کرده بودیم. اولین قسمت فیلم در سال ۱۹۸۹، ما را به‌عنوان دو نوجوان معرفی کرد و برای خود ما هم خیلی جالب بود که آنها را در میانسالی دوباره ملاقات کنیم و ببینیم چه کارهایی انجام می‌دهند.



اشاره جالب منتقدان

منتقدان به این موضوع اشاره می‌کنند که بعد از اکران عمومی موفقیت‌آمیز «جان ویک» در سال ۲۰۱۴، تغییراتی در فیلمنامه بیل و تد در مصاف موسیقی به وجود آمد. تا قبل از آن، کارنامه کاری ریوز شاهد شکست تجاری چند فیلم بود و او وضعیت خوبی در جدول گیشه نمایش نداشت. اما جان ویک رونق تازه‌ای به کارنامه کاری بازیگر داد. حالا نه‌تنها تهیه‌کنندگان سینما که رسانه‌ها هم توجه ویژه‌ای به کارهای جدید او داشتند. فیلمنامه بیل و تد هم یکی از آنها بود. اگر کرونا نبود، قسمت سوم بیل و تد برای ۲۱ آگوست امسال اکران عمومی وسیع می‌شد. تهیه‌کنندگان فیلم به دلیل شیوع کرونا تصمیم گرفتند آن را به صورت اینترنتی پخش کنند و تنها در تعداد محدودی سالن نمایش در چند کشور دنیا، آن را روی پرده سینما بفرستند. این کار اواخر ماه جولای صورت گرفت. فروش فیلم در سینماها حدود ۷ میلیون دلار بود و پولی که از بابت پخش اینترنتی نصیب تهیه‌کنندگان این کمدی اکشن شد، رقمی حدود ۳۲ میلیون دلار را نشان می‌دهد. برخورد منتقدان با فیلم هم خوب بود و عموما نقدهای مثبتی برایش نوشتند. به گفته آنها، فیلم در خنداندن تماشاچی خود موفق عمل می‌کند و ادای دین خوبی هم به موسیقی و سبک‌های مختلف آن دارد. بعضی از منتقدان هم داستان فیلم را به کرونا و مشکلات مربوط به آن ربط دادند و نوشتند که به نظر می‌رسد نیروی ویرانگری که در داستان فیلم به‌دنبال نابودی جهان و بشریت است، همین ویروس کروناست و برای نابودی آن کل دنیا باید با یکدیگر متحد شود تا بتواند آن را مهار کرده و از بین ببرد.

سینما و موسیقی

در دنیای سینما نمی‌توان تعداد زیادی فیلم پیدا کرد که موسیقی نقش مهمی در داستان و پیشبرد ماجراها داشته باشد. این در حالی است که از یک سو موسیقی متن به کمک داستان و حال و هوای فیلم‌ها آمده و در تشدید عاطفی و احساسی صحنه‌ها نقش مهمی بازی می‌کند و از سوی دیگر، بسیاری از محصولات سینمایی از آواز و ترانه در بخش‌های مختلف سکانس‌های خود بهره می‌گیرند. با این حال، کمتر فیلمی را می‌توان نام برد که موسیقی و مسائل مربوط به آن، در محور ماجراهای داستان قرار داشته باشد. این کمبود در سینمای ایران و تولیدات آن هم کاملا به چشم می‌خورد. در حالی که گونه‌هایی مثل اکشن، ملودرام و کمدی در سال تعداد زیادی فیلم روانه اکران عمومی می‌کنند، فیلمی با محوریت موسیقی یا یک آهنگساز جای ویژه‌ای در بین تولیدات انبوه سالانه سینمای ایران ندارد.

این در شرایطی است که محصولات ایرانی هم در هر دو دوران قبل و بعد از انقلاب به تاسی از همتایان خارجی خود، هم به موسیقی متن اهمیت ویژه‌ای داده‌اند و هم از ترانه‌ها و آهنگ‌های زیادی در بین صحنه‌های خود استفاده کرده‌اند. اما کمتر فیلمنامه‌نویسی سراغ یک آهنگساز رفته تا داستان زندگی او و مشکلاتش برای خلق ملودی‌های تازه را تعریف کند یا موسیقی را بهانه خلق داستانی جذاب قرار دهد و به کمک آن، داستانی بنویسد که موسیقی و سازهای آن نقشی در پیشبرد ماجراها داشته باشند.

با نگاهی به تولیدات بعد از انقلاب، می‌توان کمبود مضامین موسیقیایی را در فیلم‌های ایرانی به روشنی دید. البته شاید تولیدکنندگان محصولات ایرانی به این موضوع اشاره کنند که تماشاچی بومی علاقه‌ای به تماشای سرگذشت یک موزیسین ندارد یا این که چندان با داستانی که موسیقی در آن به بهتر شدن شرایط و وضعیت شخصیت‌های محوری ماجرا کمک کند، میانه خوبی ندارد. به هر حال، فیلم برای تماشاچی ساخته می‌شود و او بعد از بیرون آمدن از سالن تاریک سینما، باید رضایت خاطر داشته باشد. بر مبنای چنین تفکری است که یکباره ناگهان تولیدات گونه کمدی یا ملودرام‌های خانوادگی قوت می‌گیرد و سردر سینماها پر از تبلیغات فیلم‌هایی با این مضامین می‌شود. برای مثال، این روزها که بحث خیانت تبدیل به بحث داغی شده، در اکثر مجموعه‌های تلویزیونی یا ویدئویی و فیلم‌های سینمایی، می‌توان رد پای این موضوع را به‌راحتی پیدا کرد.

با این حال، در بین فیلم‌های ایرانی می‌توان یک «دل‌شدگان» هم پیدا کرد که مرحوم علی حاتمی آن را در سال ۱۳۷۰ کارگردانی کرد و به موضوع موسیقی می‌پردازد. زنده‌یاد شجریان برای این فیلم تصنیف خواند و امین تارخ در جلوی دوربین آن را لب خوانی کرد. داستان فیلم درباره ضبط ترانه‌ای در دوران سلطنت قاجار بود و حاتمی دلمشغولی‌های همیشگی‌اش را این بار در قالبی تقریبا موزیکال به نمایش گذاشت و از یک ماجرای موسیقیایی پرده‌برداری کرد. فیلم برداشتی آزاد از سه رخداد واقعی در دوران قاجار است که به ثبت تلاش گروهی از نوازندگان ایرانی می‌پردازد که برای ضبط صفحه در اروپا، راهی دیار فرنگ می‌شوند.

به‌جز این درام تاریخی که موسیقی را در محور ماجراهایش دارد، دیگر فیلم‌های موسیقیایی ایران بیشتر به تصویر کشیدن داستان خوانندگان مشهوری می‌پردازد که به دلایلی از راه و مسیرشان دور می‌شوند. از یکسو، خوانندگان موفقی را در قالب بازی شادمهر عقیلی، بهرام رادان و نوید محمدزاده در فیلم‌های «پر پرواز» خسرو معصومی، «سنتوری» داریوش مهرجویی و «خشم و هیاهو» هومن سیدی داریم که یا کاست‌شان مجوز پخش نگرفته یا تنگ‌نظران حسود و رقیب معتادشان می‌کنند یا با وجود تاهل، دل به یکی از مخاطبان خود می‌بندند و از سوی دیگر، خواننده‌ای کاباره‌ای (پرویز پرستویی) در «مطرب» را می‌بینیم که قبل از انقلاب موفق بوده و در دوران بعد از انقلاب تلاش دارد یک بار دیگر روی صحنه برود و بخواند. این فیلم تا امروز لقب پرفروش‌ترین محصول سینمای ایران را به خود اختصاص داده است.

شگفتی هفته

بازگشت «دیگران» به سینماها

آیا واقعا باید منتظر نسخه تازه‌ای از «دیگران» بود؟ منتقدان سینمایی و اهل فن از شنیدن خبر تولید نسخه دوباره‌سازی شده درام ترسناک دیگران به‌شدت شگفت‌زده شده‌اند و این پرسش را مطرح می‌کنند که چه ضرورتی برای ساخت چنین فیلمی هست؟ دلیل شگفتی این است که هنوز مدت‌زمان زیادی از نمایش عمومی نسخه تحسین‌شده اصلی فیلم نمی‌گذرد و هالیوود معمولا فیلم‌های قدیمی و کلاسیک خود را دوباره‌سازی می‌کند. حتی اخیرا که زمان انتخاب این فیلم‌ها جلوتر آمده، تنها محصولات دهه ۸۰ میلادی هستند که مورد بازسازی قرار می‌گیرند.

نسخه اصلی دیگران سال ۲۰۰۱ اکران عمومی شد. نمایش عمومی فیلم با نقدهای مثبت و دلگرم‌کننده عموم منتقدان سینمایی همراه بود و تماشاگران سینما هم استقبال بسیار خوبی از این فیلم ترسناک و دلهره‌آور مستقل کردند. در آن زمان، تماشاگران سینما در سراسر جهان بیش از ۲۰۰ میلیون دلار برای تماشای فیلم هزینه کردند. در آن زمان، این رقم بسیار بالا و گیج‌کننده بود.

هر دو گروه منتقدان و تماشاگران، از چرخش ناگهانی و غیرمنتظره پایان فیلم شگفت‌زده شده و جا خوردند. منتقدان از پایان فیلم به‌عنوان پایانی دیوانه‌کننده و غیرقابل تصور یاد کردند. در «دیگران» نیکول کیدمن نقش مادر دو فرزند را در دوران جنگ جهانی دوم بازی می‌کند که در عمارتی دورافتاده زندگی می‌کند. فرزندان او نسبت به نور آفتاب و روشنایی حساسیت دارند و برای همین، تمام پنجره‌های عمارت با پرده‌های تیره‌رنگ پوشانده شده‌اند.



با ورود سه خدمتکار غریبه به عمارت، اتفاقاتی پیش‌بینی نشده رخ می‌دهد که مادر خانواده را به این فکر می‌اندازد که غریبه‌ها قصد آسیب زدن به او و فرزندانش را دارند. نسخه اصلی را آلخاندرو آمنابار اسپانیایی تبار کارگردانی کرد. برای نسخه جدید هنوز کارگردانی انتخاب نشده است./ ورایتی

جدول گیشه نمایش

موفقیت چینی

برعکس هالیوود که بیماری کرونا مانع از حضور گسترده تماشاگران در سالن‌های تاریک نمایش شده، استقبال مردم چین از سینما و اکران عمومی محصولات جدید خوب و بالا بوده است. «ایثار» در سه روز نخست نمایش عمومی در چین، با افتتاحیه‌ای ۵۳ میلیون دلاری توانست صدرنشین جدول هفتگی گیشه نمایش سینماهای این کشور آسیایی شود. واکنش مثبت تماشاگران به فیلم‌های روی پرده تحلیلگران اقتصادی سینما را به بیان این نکته واداشته که با فروکش کردن تب کووید- ۱۹ در چین، استقبال عمومی از فیلم‌ها رشد پرشتابی داشته‌است. این در حالی است که تهیه‌کنندگان فیلم از رقم افتتاحیه آن راضی نیستند و می‌گویند انتظار فروش بالاتری برای آن داشته‌اند. با این حال، پیش‌بینی می‌شود ایثار با فروشی ۲۳۰ میلیون دلاری به نمایش عمومی خود خاتمه دهد.

ایثار همزمان با هفتادمین سالگرد جنگ کره اکران عمومی شد و داستان اکشن آن درباره قهرمانی مردم و سربازان چین در دوران این جنگ خونین و سرنوشت‌ساز تاریخی است. فیلم را سه فیلمساز کارگردانی کرده‌اند، که گوآن هو یکی از آنهاست. او سازنده درام جنگی و تاریخی «هشت هزار» هم هست. این فیلم که ماه قبل در چین اکران عمومی شد، توانسته تا به حال حدود ۴۰۰ میلیون دلار فروش کند. چنین رقم فروشی در روزهای کرونایی، رقمی اعجاب‌انگیز اعلام شده‌است. این موفقیت برای محصولات چینی در جدول گیشه نمایش در شرایطی نصیب آنان می‌شود که تنها ۷۰ درصد ظرفیت سالن‌های نمایش در اختیار تماشاگران است و آنها با رعایت فاصله‌گیری اجتماعی به تماشای فیلم‌ها در داخل سالن نمایش می‌نشینند./ باکس آفیس



تازه‌های سینما

فیلم مشترک استریپ و دی‌کاپریو

با اضافه شدن دو نام بزرگ سینمایی به پروژه «به بالا نگاه نکن»، این درام پرتنش تبدیل به یکی از جنجالی‌ترین محصولات سال آینده صنعت سینما می‌شود.

لئوناردو دی‌کاپریو و مریل استریپ دو بازیگر مطرحی هستند که قرارداد بازی در این فیلم را امضا کردند. قبل از این جنیفر لارنس، راب مورگان، کیت بلانشت، جونا هیل، هیمش پاتل، متیو پری و تیموتی چالامت برای بازی در به بالا نگاه نکن انتخاب شده بودند. این کمدی درام را آدام مک کی کارگردانی خواهد کرد. حالا مشخص شده که نقش اصلی فیلم را لارنس و دی‌کاپریو بازی خواهند کرد. آنها زوج دانشمندی هستند که متوجه می‌شوند کره زمین طی شش ماه آینده نابود خواهد شد، اما کسی حرف این دو دانشمند درجه ۲ را قبول نمی‌کند. این زوج سفری طولانی را آغاز می‌کنند تا توجه رسانه‌های گروهی و سیاستمداران را به ادعای خود جلب کنند. اما هشدار آنها جدی گرفته نمی‌شود و زوج میانسال متوجه مسائلی در پشت پرده می‌شوند. فیلمنامه را مک کی نوشته و کلید فیلمبرداری فیلم تا یک ماه دیگر در شهر بوستون زده می‌شود. اطلاعی از نقش استریپ در فیلم نیست، اما مک کی گفته شخصیت او نقش بسیار مهمی در داستان فیلم دارد./ هالیوود ریپورتر

